

The capacity of prayer in repelling natural disasters from the perspective of Ayatollah Javadi Amoli

(Received: 6 April 2021 - Accepted: 27 November 2021)

Mahdi Ekhlesi¹
Alireza Majd Ara²

Abstract

From the point of view of a religious believer, the agency of God Almighty has a strong presence in all aspects of his life, and encouraging prayer to achieve the desired and guaranteeing its fulfillment is a manifestation of this presence. Therefore, one of the important issues that has occupied the minds of religious scholars is to analyze and explain the relationship between natural laws as inviolable and the impact of factors such as prayer as a bed of divine agency in eliminating natural disasters in the system of creation. In one sense, answering prayer is incompatible with the law of causality and a kind of violation of the laws of nature. On the other hand, some believe that the answer to prayer is not in conflict with the laws of nature and can be analyzed in the same performer. In the meantime, Ayatollah Javadiyeh Amoli is one of the scientists who, with a comprehensive view of the Qur'an and argument, has been able to analyze and explain the answer to prayer in the system of natural laws. In this article, which is reflected in his works, first the truth of prayer is examined, then by explaining the place of causality in the system of nature and the relationship between prayer and divine judgment and predestination, the effect of prayer in the system of natural laws is analyzed. The findings show that answering prayers was not only against the laws of nature; Rather, it is in line with the law of causality; Finally, it should be noted that the cause of any phenomenon is not limited to its known causes and the process of answering prayers in the system of causality can be explained by the influence of supernatural causes.

Keywords: Prayer, laws of nature, divine agency, judgment and predestination, Ayatollah Javadi Amoli.

سال پنجم
شماره دوم
پیاپی: ۱۰
پاییز و زمستان
۱۳۹۹



-
1. Responsible author Ekhlesi.m97@gmail.com
 2. Master student, majoring in jurisprudence and principles of Islamic law. Qom. a.majdara007@gmail.co

ظرفیت‌شناسی دعا در دفع بلاایای طبیعی از منظر آیت‌الله جوادی آملی

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۱۷ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۰۶)

مهدی اخلاصی^۱

علیرضا مجد آرا^۲

چکیده

از نگاه یک معتقد مذهبی عاملیت خداوند متعال در تمام ابعاد زندگی وی حضوری پررنگ دارد که تشویق به دعا برای رسیدن به مطلوب و تضمین اجابت آن، نمودی از این حضور به شمار می‌رود. از این رو، یکی از مسائل مهمی که ذهن دین‌پژوهان را به خود معطوف داشته، تحلیل و تبیین رابطه میان قوانین طبیعی به‌عنوان اموری تخلف‌ناپذیر با تأثیرگذاری عواملی مانند دعا به‌عنوان بستر عاملیت الهی در رفع و دفع بلاایای طبیعی در نظام آفرینش است. در یک نگره، استجابات دعا امری ناسازگار با قانون علیت و نوعی نقض قوانین حاکم بر طبیعت است. در مقابل برخی بر این عقیده‌اند که استجابات دعا تنافی با قوانین طبیعت ندارد و در همان مجرا قابل تحلیل است. در این میان آیت‌الله جوادی آملی از دانشمندانی است که با نگاهی جامع و برآمده از قرآن و برهان، در مقام تحلیل و تبیین استجابات دعا در منظومه قوانین طبیعت برآمده است. در این نوشتار که انعکاس یافته از آثار ایشان است، ابتدا به بررسی حقیقت دعا پرداخته، آنگاه با تبیین جایگاه علیت در نظام طبیعت و رابطه میان دعا با قضا و قدر الهی به تحلیل اثرگذاری دعا در منظومه قوانین طبیعت پرداخته شده است. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که استجابات دعا، نه تنها برخلاف قوانین حاکم بر طبیعت نبوده؛ بلکه در راستای قانون علیت است؛ منتهی باید توجه داشت که علت هیچ پدیده‌ای منحصر به علت‌های شناخته‌شده‌ی آن نیست و می‌توان فرایند استجابات دعا را در نظام علیت با تأثیرگذاری علل فرا طبیعی تبیین نمود.

واژگان کلیدی: دعا، قوانین طبیعت، عاملیت الهی، قضا و قدر، جوادی آملی.

سال پنجم

شماره دوم

پیاپی: ۱۰

پاییز و زمستان

۱۳۹۹

۱. طلبه سطح ۳، مرکز فقهی ائمه اطهار (ع)، قم، ایران (نویسنده مسؤول). Ekhlasim97@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه قم، قم، ایران.

مقدمه

یکی از نکات نیازمند پژوهش، رابطه میان بنده و خداوند متعال در قالب دعا است. اگرچه از جهات مختلفی می‌توان به نهاد دعا نگریست، اما دعا به معنای درخواست و طلب حاجت از خداوند متعال، مأنوس‌ترین نوع از دعا است که خواستگاه بحث‌های گسترده‌ای در حوزه دین شده است. آنچه در فرایند دعا مایه‌ی ابهام و سؤال شده، اجابتی است که در اثر دعا شامل فرد می‌شود، چراکه تحقق خواسته‌ی بنده و به دیگر سخن، اجابت دعای وی، بیان‌گر دخالت حضرت باری تعالی در روند امور طبیعی است که بر محور قانون علیت در حال گردش است. بر همین اساس، استجاب دعا به معنای رسیدن به مطلوب در فرایندی خارج از روند طبیعی قلمداد می‌شود که ریشه در عوامل ماوراء الطبیعی دارد. از همین رهگذر، بسیاری از دانشمندان حوزه دین به تحلیل نقش دعا در دایره نظام طبیعت، با نگرشی بر قضا و قدر همت گمارده‌اند. آیت‌الله جوادی آملی، نیز از شخصیت‌هایی است که در این عرصه، تلاش فراوانی را مبذول داشته است. رجوع به کتبی هم چون «تفسیر تسنیم»، «ادب فنای مقربان»، «رحیق مختوم»، «توحید در قرآن»، «سرچشمه اندیشه» خود شاهدی گویا بر این مدعاست. با توجه به رویکردهای متفاوت متفکرین، بررسی نهاد دعا و ارائه تحلیلی مناسب از آن امری ضروری به شمار می‌رود، چراکه عدم مواجه صحیح، ابهاماتی را در نظام اعتقادی به دنبال خواهد داشت؛ بنابراین آنچه شایسته تحقیق است، آن که آیا دعا و استجاب آن در پرتو قوانین طبیعت قابل تجزیه و تحلیل است؟ چگونه می‌توان حوادث را از منظر قانون علیت به خداوند انتساب داد، درحالی که هر جزئی از نظام طبیعت صرفاً نتیجه تعامل علی علل طبیعی است؟ از نظر قائلین به قضا و قدر، اثرگذاری دعا چگونه توجیه می‌گردد؟ برای تحلیل و پاسخ‌گویی چنین سؤالاتی، دیدگاه‌های متفاوتی از سوی فیلسوفان و متکلمین بیان شده است به گونه‌ای که برخی منکر قوانین حاکم بر طبیعت شده و برخی نیز نقض قوانین طبیعی از طریق فعالیت خاص الهی را مطرح ساخته‌اند و در نهایت گروهی نیز به پذیرش عاملیت خاص الهی و اثرگذاری دعا در بستر قوانین علی حاکم بر جهان روی آورده‌اند. هدف این نوشتار که با روش تحلیلی-اسنادی سامان یافته، ارائه پاسخ‌هایی برای سوالات مطرح شده از رهگذر طرح اندیشه‌های حضرت آیت‌الله جوادی آملی است. از این رو در ادامه بعد از مرور اجمالی در بیان حقیقت دعا، در ابتدا جایگاه قانون علیت در نظام طبیعت تبیین شده و سپس به رابطه دعا با قضا و قدر الهی پرداخته و در نهایت کیفیت اثرگذاری دعا در نظام طبیعت مورد تبیین قرار گرفته است.

۱- واژه شناسی

در ابتدا لازم است برخی از واژگان کلیدی تبیین شود.

۱-۱- مفهوم دعا

دعا در لغت به معنای استغاثه (ابن منظور، ۱۴۰۵: ۴/ ۳۵۹)، نیایش (جوهری، ۱۲۷۰: ۶/ ۲۳۳۷) سدازدن و یاری طلبیدن است (فیومی، بی تا: ۲/ ۱۹۴). دیگری می نویسد: «دعا کلمه‌ای عربی به معنای مایل ساختن چیزی به سوی خود با صدا و کلام است» (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۲/ ۲۷۹). در فرهنگ لغت فارسی نیز درباره‌ی واژه‌ی «دعا» چنین آمده است: «خواندن جمله‌های مأثور از پیامبر (ص) و امامان در اوقات معین برای طلب آمرزش و برآورده شدن حاجت، درخواست حاجت از خدا، نیایش، مدح و ثنا، تحیت، درود، سلام، تضرع، نفرین» (عمید، ۱۳۷۴: ۱/ ۹۳۵). دعا به «درخواست توأم با خضوع و تضرع بنده از خداوند» نیز معنا شده است (نجفی، بی تا: ۷/ ۲۰۰). شیخ طوسی می‌نگارد: «دعا درخواست انجام کاری از مدعو (خوانده‌شده) به صورت جمله امر و نهی یا در قالب جمله خبری، (مانند عَفَّرَ اللهُ لَكَ) است. فرق دعا با امر آن است که در دعا مرتبه مخاطب فراتر از دعاکننده و در امر، فروتر است (شیخ طوسی، بی تا: ۴/ ۴۲۴).

۱-۲- رابطه علیت

قانون علیت از لحاظ پیشینه، اولین مسئله فلسفی است که اندیشه بشر را به خود جلب کرده و او را به کشف معمای هستی واداشته است. برای انسان که دارای استعداد اندیشیدن است، مهم‌ترین عاملی که او را در مجرای تفکر می‌اندازد، ادراک قانون کلی علیت است و بر اثر همین ادراک است که مفهوم «چرا» برای ذهن انسان پیدا می‌شود (مطهری، ۱۳۷۳: ۶/ ۶۴۴). در اهمیت این قانون همین بس که برخی معتقدند: «قانون علیت از قوانین بدیهی بوده و انکار آن انکار اصل مهمی است که انسان را به وادی شک سوفسطایی‌گری می‌کشاند، پس این قانون پایه همه علوم است.» (جوادی آملی، ۱۳۷۲: ۲/ ۳۲۱) در تعریف رابطه علیت آمده است: «علیت یک رابطه ویژه و بسیار شدید میان دو چیز است که یکی از آن دو از نظر صدور یا بقاء نیازمند به دیگری است که محتاج و نیازمند به علت را، معلول و محتاج الیه را علت می‌نامند (علامه طباطبایی، ۱۴۳۰: ۶/ ۲) و بر اساس احتیاج و تلازمی که بین علت و معلول است دو مفهوم برای علت بیان شده است؛ مفهوم اول آن که «علت چیزی است که از وجودش، وجود دیگر و از عدمش عدم دیگر حاصل می‌شود» و به بیان دیگر علت آن است که بین آن و شیء دیگر تلازم وجودی و تلازم عدمی برقرار است و مفهوم دوم نیز آن که «علت چیزی است که بین آن و شیء دیگر تلازم عدمی برقرار است» به این معنا که اگر علت از بین برود آن شیء دیگر نیز از بین خواهد رفت و این در حالی است که میان دو شیء تلازم وجودی برقرار نیست. به این معنا که باوجود علت، شیء دیگر ممکن است نباشد. در نتیجه اگر معلول موجود باشد، علت نیز موجود است و اگر علت موجود باشد، وجود معلول امری ممکن (نه واجب) به شمار می‌رود (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۲: ۷/ ۳۱۸). نکته اساسی در این میان آن است که اصل علیت، اصلی ضروری و

استثنای پذیر است (ر.ک: سبحانی، ۱۳۸۸: ۳/۳۵۴)؛ چرا که قانون علیت یک قانون عقلی است و چنین قانونی استثناء بردار نیست.

۲- جایگاه قانون علیت در نظام طبیعت

یکی از اصول و سنت‌های الهی در تدبیر جهان، جریان و اتکای آن بر نظام علیت و سببیت است. اصل «علیت و معلولیت» یکی از اصول و ضروریات عقل است که وحی نیز آن را تأیید کرده (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۹۳) و در تمام نظام آفرینش حکم‌فرما بوده و تمام فعل و انفعالات مادی، منحصر به علل طبیعی هستند (لطیفی و پریمی، ۱۳۸۸: ۱۰۱). در نظام آفرینش بخت، اتفاق، صدفه، گزاف و اموری که مبادی شرور در طبایع مادی دانسته می‌شوند، راه ندارد (جوادی آملی، ۱۳۸۲: ۹/۳۷۷). در روایات متعدد (ر.ک: صفار، ۱۴۰۴: ۱/۶) نیز می‌توان شاهد این معنا بود که «خدای سبحان، برای هر چیزی سببی قرار داده و سنتش براین است که اشیاء و افعال را براساس اسباب خود و بر محور نظم و قانون علت و معلول صورت دهد (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۹۶). با توجه به توصیفات که در آثار متعدد دیده می‌شود، نظام عالم یک نظام قراردادی نیست؛ به بیان دیگر، چنین نیست که خداوند مجموعه‌ای از اشیاء و حوادث را بیافریند درحالی که هیچ رابطه ذاتی و واقعی بین آن‌ها نباشد و به اصطلاح فلاسفه «مرتبه هر موجود در نظام طولی و عرضی جهان مقوم ذات آن موجود است». خداوند در نظام عالم، میان موجودات رابطه سبب و مسببی برقرار نموده است که هر معلولی، علت خاص و هر علتی، معلول مخصوص دارد؛ نه یک معلول مشخص ممکن است از هر علتی بدون واسطه صدور یافته و موجود گردد و نه یک علت معین می‌تواند هر معلولی را بی‌واسطه ایجاد کند. در حقیقت، هر موجود و هر شیئی در نظام علت و معلول، جای مشخص و مقام معلومی دارد، یعنی آن معلول، معلول شیء معینی است و علت شیء معین دیگری است و این همان مفهوم دقیق «إِنَّا كُلُّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ» (قمر/۴۹) است (مطهری، ۱۳۷۱: ۱/۳۲۱)؛ بنابراین در نظام تکوین، هر معلولی بنده علت خود بوده، در حدوث و بقا از آن پیروی می‌کند و در ذات و صفت و فعل فرمان آن را می‌برد، هیچ‌گونه کسستگی در رشته علیت راه ندارد، نه علت از اشراف و افاضه باز می‌ماند و نه معلول از انقیاد و خضوع سر باز می‌زند (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۵/۱۰۰). لازم به ذکر است، هنگامی که از «علیت» به‌عنوان یک قانون، نام برده می‌شود، باید به تغییرناپذیر بودن آن نیز ملتزم بود. از همین رهگذر، قانون آفرینش یک قرارداد و اعتبار نیست، زیرا از چگونگی هستی اشیاء انتزاع شده است و تبدیل و تغییر نیز برای آن محال است؛ بنابراین تغییراتی که به‌ظاهر در سنت‌های جهان مشاهده می‌شود، معلول تغییر شرایط است و باید هر سنت خاصی در شرایط خاصی جاری باشد و با تغییر شرایط سنت دیگری جریان یابد. به عبارت دیگر؛ هر سنتی در شرایط خاص خود کلیت دارد.

در جهان، جز قانون و سنت‌های لایتنیغیر وجود ندارد. بشر نه همه‌ی قانون‌های جهان را می‌شناسد و نه در برخی موارد، قانون واقعی را از شبه قانون تمییز می‌دهد (ر.ک: جراحی و کشفی، ۱۳۹۵: ۵۳).

۳- دعا و قضا و قدر الهی

نکته دیگری که در الگوریتم ظرفیت‌شناسی دعا شایسته تبیین است، رابطه علم خداوند متعال و اثرگذاری دعا است، زیرا با توجه به این که خدای سبحان از ازل به جمیع امور آگاهی دارد، عملی شدن یا نشدن مطلب مورد درخواست دعاکننده در قضای الهی مقدر شده است و بر همین اساس، اگر عملی شدن مقرر شده باشد، دعا تأثیری در آن نخواهد داشت، چون همان یافت خواهد شد و در صورتی که قضای الهی بر عدم تحقق مطلب درخواستی رقم خورده باشد، دعا در تحقق آن سودی نخواهد داشت (ر.ک: ملاصدرا، ۱۳۸۱: ۶/ ۱۷۴). تقریب این اشکال در کتاب تفسیر «تسنیم» چنین آمده است: «خواستگی انسان از راه دعا، از دو حال خارج نیست: یا معلوم الوقوع است یا ممتنع الوقوع. اگر معلوم الوقوع باشد، واجب الوقوع خواهد بود زیرا تغییر در علم خداوند متعال ممتنع است و خواستن شیء واجب الوقوع فایده‌ای ندارد، چون خودش واقع می‌شود. اگر معلوم الوقوع نباشد، ممتنع الوقوع است و خواستن چنین چیزی هم سودی ندارد؛ زیرا بی‌تردید تحقق نمی‌یابد (جوادی‌آملی، ۱۳۹۲: ۲۹/ ۱۹۷) و چنین دیدگاهی، نهاد دعا را با چالشی بنیادین مواجه می‌سازد.

فلاسفه اسلامی در مواجهه با این چالش به راه‌حلهایی اشاره کرده‌اند. ملاصدرا، در پاسخ به این اشکال چنین مطرح می‌کند که نحوه تعلق گرفتن علم خداوند به صدور هر فعلی از فاعل آن، حسب خصوصیت موجود در آن فعل است. در افعال اختیاری انسان، علم خدا به فعلی که مسبوق به قدرت و اختیار آدم است، تعلق می‌گیرد؛ بنابراین علم، مقتضی وجوب فعل انسان خواهد بود. ولی متعلق این وجوب فعل مسبوق به قدرت و اختیار آدمی است و چون این دو از جمله علل و اسباب وقوع فعل هستند و واضح است وجوب و ضرورتی که به اختیار بازگردد، منافی اختیار نیست، بلکه مؤکد آن است و انسان می‌تواند با اراده خود، مسیر حقیقی تحقق اموری که در علم خدا مشخص شده‌اند، تغییر دهد (ر.ک: دولت‌آبادی و خادمی، ۱۳۹۷: ۱۳۲)؛ بنابراین مقدر بودن چیزی موجب نمی‌شود که بدون سبب و علتی وجود پیدا کند. مثلاً اگر مقدر شده باشد که چیزی بسوزد، لازمه‌اش این نیست که با نبودن چیز سوزنده‌ای خود به خود بسوزد، بلکه معنایش آن است که اگر آتش با چیز دیگر تماس حاصل کند، خواهد سوزاند و در این میان، دعا نیز خود یکی از اسباب است. پس هرگاه کسی برای خواسته‌ای دعا کند، اسباب آن فراهم می‌شود و نتیجه به دست می‌آید؛ بنابراین، همان‌طور که تقدیر سوختن معنایش این است که به‌وسیله وجود آتش در شرایط ویژه‌ای بسوزد، مقدر بودن

موضوعی با تأثیر دعا منافات ندارد، زیرا معنای مقدر بودن آن این است که به واسطه دعا و اجابت آن وجود یابد» (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۶۱/۲). در این راستا، آیت‌الله جوادی آملی می‌افزاید: «در محدوده‌ی عالم طبیعت که محل حرکت، تحول و تبدیل است، «بداء» راه دارد یعنی خدای سبحان مقدر فرموده که در صورت تحقق دعا، صدقه یا صلّه رحم، فلان کار یافت شود و نیز خدا می‌داند که فلان شخص دعا می‌کند و بهره می‌گیرد و دیگری دعا نمی‌کند و بی‌بهره می‌ماند. پس نه در علم خدا ابهامی وجود دارد و نه در جهان هستی تحبیر و سرگردانی است. به بیان دیگر در این جا دو امر وجود دارد:

۱. محدوده‌ی لوح محو و اثبات؛ یعنی خداوند در ازل همه امور را با علل و اسبابش تنظیم کرده است و یکی از آن علل در محدوده عالم طبیعت، دعا، صدقه و مانند آن است. دعا که عهده‌دار تغییر در برخی امور است در قلمرو لوح محو و اثبات به پایین است؛ نه اقلیم مجردهای ثابت و مصون از تحول.

۲. محدوده‌ی لوح محفوظ (ام‌الکتاب) که همان عالم قضای محض و محتوم و برتر از محدوده تحول و لوح محو و اثبات است. در این محدوده که همه چیز محفوظ از تغییر و زوال و حتمی الوقوع است، دعا، صدقه و ... اثری ندارد (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۹/۴۲۴). با عنایت به آن چه گذشت، باید گفت که خود دعا جزء قدر است؛ یعنی خدا مقدر کرده که در صورت دعا، فلان حادثه خیر واقع شود و فلان حادثه شر پیش نیاید. از این جهت دعا اثر دارد و جزء قضا و قدر عالم است؛ بنابراین دعا از شرایط و اسباب قضا و قدر الهی و جزء علل معده و ممدّه و مانند بارانی است که زمینه را برای دریافت فیض الهی آماده می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۹۲: ۱۹۸/۲۹).

۴- جایگاه دعا در نظام قانونمند طبیعت

در فرهنگ اسلام، دعا جزء نیازهای حقیقی انسان است و این امر نیز با روایت مشهور «أَبَى اللَّهُ أَنْ يُجْرِيَ الْأَشْيَاءَ إِلَّا بِأَسْبَابٍ فَجَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۱۸۳) منافاتی ندارد، زیرا مسبب الاسباب و سبب حقیقی هر امری، تنها خداست (جوادی آملی، ۱۳۹۴: ۳۵/۴۲۸)؛ به دیگر سخن، دعا هماهنگ با قانون علیت بوده (جوادی آملی، ۱۳۹۲: ۲۹/۱۹۹) و با قانون علت و معلولیت مخالفت ندارد؛ بنابراین کارهای نیکی همچون صدقه، صلّه رحم و دعا که در جهان تأثیری دارند، در برابر قضا و قدر الهی نیستند، بلکه خود این امور، جزء جدول‌های قضا و قدرند. خدای سبحان این چنین قضا و قدر فرمود که با دعا و نیایش، آن کار را انجام دهد و مشکل ویژه را بردارد و این جزء قوانین نظام است؛ نه اینکه سازمان هستی، رودخانه روانی باشد و ما بخواهیم با دعا، نیایش و مانند آن در برابر نظام هستی بایستیم و مسیر آن را دگرگون کنیم (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۹۶: ۴۳/۱۰۱). بر همین اساس است که حضرت ایت الله جوادی در پیام خود، دعا و نیایش را از عوامل تعیین‌کننده در رفع و دفع بلاها از

جمله بیماری جهان شمول کرونا دانسته و برای رهایی از ویروس منحوس کرونا، طبقات مختلفی از جامعه را به دعا دعوت نموده، افزودند: «اولین گروهی که برای رهایی از ویروس کرونا باید دعا کنند، کادر پزشکی و درمانی هستند و باید از خداوند متعال بخواهند که علم، کشف دارو و درمان بیماری کرونا را به آن‌ها اعطا کند. اولین جلسه دعا را جامعه پزشکی کشور انجام دهند و از خداوند بخواهند که توفیق کشف داروی درمان و نجات جامعه را در تمام شرق و غرب عالم را به شما عنایت کند و تمام جامعه بشری از شما استفاده کنند. چه بهتر است که انسان به جایگاهی برسد که جوامع دیگر نیز بر سر سفره او بنشینند. در مرتبه بعدی، مسئولان جامعه باید به درگاه الهی دعا و نیایش کنند و از خداوند متعال درخواست کنند که با قدرت بی‌کران خود آن‌ها را با وجود امکانات محدود در یاری‌رساندن به ملت بزرگ ایران و سایر جهان یاری نماید.» ایشان افزودند: «خداوند در میان دل‌های شکسته است و در این بین، دعای افراد مبتلا و نزدیکان آن‌ها بسیار مؤثر است، همچنین عموم مردم هم باید برای رفع و دفع خطر از تمام مبتلایان و جامعه دعا کنند تا با رفتن این بیماری جامعه در سایه عقل و عدل اداره شود.» آیت‌الله جوادی در پایان یادآور می‌شوند: «دعا این چهار گروه نقش تعیین‌کننده‌ای در رفع و دفن بیماری کرونا دارد» (پیام تصویری؛ <http://javadi.esra.ir>).

بنابراین دعا نیز مانند سایر اعمال از قانون اسباب و مسببات جدا نیست، اسبابی که سببیتش را از قضای الهی گرفته است و اگر خدا بین سبب و مسببی حائل شود، آن سبب تأثیر خود را از دست می‌دهد (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۵/۶۷۷)؛ اما آنچه در این میان مهم می‌نماید، تحلیل تأثیرگذاری دعا در روند قوانین نظام‌مند طبیعت و چگونگی ایفای نقش در میان علل است که در ادامه به دو نگرش اشاره می‌شود.

۴-۱- استجابات دعا در فرایند علل طبیعی ناشناخته (تأثیر نفس)

اصل علیت در تمام آفرینش حکم فرماست و تمام فعل و انفعالات مادی منحصر به علل طبیعی هستند؛ اما باید توجه داشت که علت‌های انجام گرفتن کار در جهان دو گونه‌اند: عادی و متعارف که مادی و شناخته شده‌اند و غیرعادی که غیر مادی و ناشناخته‌اند و از آن‌ها به خرق عادت و معجزه و کرامت یاد می‌شود. دعا، حرز، صدقه، صلح رحم و... در شفای بیمار، طول عمر از این نوع‌اند؛ یعنی از سنخ علت‌های غیرعادی‌اند؛ بنابراین نظام علی و معلولی استثنایزیر نیست، بلکه علت‌ها دو صنف‌اند (جوادی آملی، ۱۳۹۲: ۳۱/۲۸۲). از این رو، بسیاری از اتفاقاتی که در قالب استجابات دعا رخ می‌نمایند، قابلیت این را دارند که متکی بر جنبه‌های ناشناخته همین طبیعت مادی باشند. براین اساس، این تقریر با به رسمیت شناختن علل ناشناخته، خللی به نظام علی و معلولی وارد نمی‌شود و در این میان، کسی نیز نمی‌تواند ادعا کند که علت هر پدیده‌ای را می‌داند. چرا که هنوز انبوهی از علل مادی و طبیعی شناخته نشده وجود دارد که شاید بشر هیچ‌گاه نتواند به تمام این سؤالات پاسخی قطعی دهد. تنها عالم مطلق است که می‌تواند مدعی شود

علل تمام پدیده‌ها را می‌شناسد (استیس، ۱۳۶۷: ۱۳). در این راستا، برخی از نویسندگان با تکیه بر نگاه بیان شده، یکی از ناشناخته‌ترین علل طبیعی را قدرت روح و نفس آدمی دانسته و معتقدند که قدرت برخی از نفوس، بسیار فراتر از قوای طبیعی است و از این طریق، سعی در توجیه برخی از امور همانند معجزه و کرامت را دارند (ر.ک: رودگر، ۱۳۹۹: ۹۵). ابن سینا در بیان علل و اسباب کارهای موسوم به خوارق عادات می‌گوید: اگر بگویند، عارفی کار خارق‌العاده کرد؛ مثلاً دعایش مستجاب شد یا نفرین کرد و خدا به نفرین او پاسخ مثبت داد یا وبا و امثال آن را باز گردانید یا درنده‌ای برای او رام شد یا پرندۀ با او انس گرفت و از او فرار نکرد، فوراً تکذیب نکن، شاید علل آن را بیایی؛ زیرا در اسرار طبیعت این امور علل و اسبابی دارند. به نظر می‌رسد نفس شخص عارف و عابد قدرت تصرف در جهان طبیعت و ایجاد پدیده‌های عجیب و خارق‌عادت را داشته باشد (ابن سینا، ۱۳۶: ۴۸)؛ بنابراین می‌توان گفت که استجاب دعا به گونه‌ای به قدرت روحی دعا کننده برمی‌گردد و هر چه روح وی از قدرت بیشتری برخوردار باشد، میزان تسلط آن بر طبیعت نیز بیشتر خواهد بود. صدرای شیرازی در تبیین این قابلیت روحی می‌نویسد: «از این که برخی نفوس الاهی دارای چنان قدرتی هستند که گویا نفس مجموعه عالم طبیعت هستند، تعجب مکن. نفوسی که هم آن گونه که بدن از آن‌ها اطاعت می‌کند، عناصر جهان هم مطیع آن‌ها هستند و هر قدر شباهت به مبادی عالی بیشتر شود، نیرو و تصرف در جهان بیشتر می‌شود.» (صدرالدین شیرازی، ۱۴۲۰: ۶۱۸) فخررازی نیز به این امر تصریح می‌کند: «انسان دارای دو قوه است: یکی قوه نظری که وقتی به کمال رسید، صور معقولات از عالم مفارق و مجرد بر آن نقش می‌بندد و منشأ غیب آگهی او می‌شود. دیگری قوه عملی است که قدرت تصرف و تأثیرگذاری بر اجسام عالم را پیدا می‌کند و افعال غریب و خارق عادت از او صادر می‌شود (فخررازی، ۱۴۲۰: ۱۲۷/۹). پس آدمی در توجه و ذکر و دعا به اخلاق ملکوتیان متخلق می‌شود و به اوصاف عقول قادسه متصف می‌گردد که واجد رتبه ولایت تکوینی و صاحب مقام «کن» گشته و با چنین نفس قدسی اعتلاء به ملکوت یافته، اقتدار بر تصرف در ماده کائنات را می‌یابد و خارق عادت، معجزه و کرامت از او بروز و ظهور می‌کند و همه معجزات، کرامات و خوارق عادت، مبتنی بر این اصل هستند؛ بنابراین استجاب دعا، امری خلاف سیرت و سنت الهی نیست، بلکه یکی از علل و اسباب تحول و تبدل در عالم طبیعت، نفس متصف به صفات ربوبی و متخلق به اخلاق الهی است که به اذن الله در ماده‌ی کائنات تصرف می‌کند (آشتیانی، ۱۳۷۲: ۱۰۲-۱۰۴).

نقد و بررسی

با در نظر گرفتن حجم انبوهی از متون دینی که از جهات مختلفی دعا را مدنظر قرار داده است، همانند تشویق به دعا (غافر / ۶۰)، توبیخ نیایش گریزان (فرقان / ۷۷) و در نهایت مذمت تارکان دعا و نیایش (غافر / ۶۰) علاوه بر آن که بخشی از دعاهای قرآنی

با استجابات عمومی مقرون است (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۱۲ / ۷۳۰) نمی‌توان از تأثیرگذاری علل طبیعی از ره‌آورد قوای نفس به‌عنوان راه‌کاری در ابعاد گستره بهره برد؛ زیرا هم‌آن‌گونه که از تبیین استدلال بیان شده به وضوح قابل دریافت است، دستیابی به چنین قدرت روحی و سپس تأثیرگذاری بر عوالم طبیعت تنها برای اوحدی از انسان‌ها قابل‌دستیابی است.

۴-۲- استجابات دعا در فرایند علل فرا طبیعی

با نگاهی به قرآن کریم این نکته قابل‌دستیابی است که دعا می‌تواند مستقلاً سبب اجابت باشد و پدیده‌ای صرفاً در اثر دعا و بدون اسباب عادی تحقق پیدا کند. در قرآن نمونه‌هایی ذکر شده است که بدون استفاده از اسباب ظاهری، دعا سبب تحقق امری شده است؛ از جمله دعای حضرت زکریا (ع) که موجب شد خداوند در پیری فرزندی (یحیی) به ایشان عطا فرماید. پس این مطلب از نظر قرآن قابل‌انکار نیست (مصباح یزدی، ۱۳۸۲: ۲۲). این امر نیز مسلم است که یکی از سنت‌های الهی آن است که هرگاه مصالح اقتضا کند، کاری از غیر مجرای طبیعی انجام می‌گیرد. علم یا فلسفه کجا اثبات کرده است که سنت خدا چنین است که هر پدیده طبیعی باید فقط از راه علت مادی و عادی به وجود آید؟ بنابراین اثبات معجزه و تأثیر دعاها از راه علل فراطبیعی به معنای نفی علت در پدیده واقع شده نیست، بلکه به معنای اثبات علتی و رای علت‌هایی است که عموم مردم می‌شناسد. این که خداوند قادر است فراتر از علل و اسباب طبیعی در هر چیزی تصرف کند، تعارض عقلی با قوانین معهود و مانوس مادی ندارد (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱ / ۷۳-۷۷). به دیگر سخن، هیچ اشکال عقلی به وجود نمی‌آید اگر خداوند به منظور آشکار ساختن حقیقتی به‌طور مستقیم یا به‌واسطه انبیاء و اولیاء در نظام طبیعت دخالت و تصرف کند. هرگاه نتوانیم علتی طبیعی برای یک معلول بیابیم، یا به‌خاطر جهل ما در شناخت تمام علل طبیعی است و یا به این خاطر که آن معلول دارای علل فرا طبیعی است و نه طبیعی؛ بنابراین فقدان علل طبیعی به معنای فقدان علت به‌طور مطلق نیست، بلکه نهایتاً دال بر فقدان علل مادی است (سبحانی، ۱۴۲۵: ۱ / ۲۶). به تعبیر شهید مطهری، میان نقض یک قانون و حکومت کردن یک قانون بر قانون دیگر، تفاوت وجود دارد (مطهری، ۱۴۲۰: ۴ / ۶۱). قوانین بالادست می‌توانند قوانین پایین‌دست را تخصیص بزنند، هرچند برای کسانی که با قوانین پایین‌دست طبیعی خو گرفته‌اند؛ امری محیرالعقول و خلاف عقل و خرد به نظر آید؛ بنابراین پذیرش اصل علیت با پذیرفتن علت‌های خاص در هر مورد و منحصر دانستن علت به علت‌های شناخته شده، متفاوت بوده و منشأ ایجاد اشتباه در مباحث خواهد بود. به دیگر سخن گرچه نظام هستی بر محور قانون علیت استوار است، اما باید توجه داشت که علت هیچ پدیده‌ای منحصر به علت‌های شناخته شده‌ی آن نیست تا در صورت عدم آن، تحقق معلول، محال باشد، بلکه ممکن است علت یا علت‌های ناشناخته دیگری

برای آن معلول وجود داشته باشد و بتواند باعث پدید آمدن آن گردد. معجزات انبیای الهی و کرامات اولیای خدا که همگی از راه علل ناشناخته و نامأنوس تحقق می‌یابد، از این قبیل است (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۳/۳۵۸)؛ در نتیجه خداوند متعال فیض خود را در راستای نظم بیان شده از دو راه محقق می‌نماید: ۱. با علل و وسائلی که مورد عنایت پروردگار است. ۲. بی‌وساطت کسی یا چیزی که بر خلاف عادت است (نه بر خلاف علیت) یعنی خود خداوند که علت تام است و بدون دخالت علت‌های عادی، فیض ویژه خویش را به مستفیض می‌رساند. اساس علوم عقلی بر همان راه اول استوار است، گرچه راه دوم در فلسفه و کلام نفی نشده، همچنان که در دعا کاملاً مشهود است؛ بنابراین صدور یا ظهور همه اشیاء از خداست (جوادی آملی، ۱۳۷۲: ۲۲/۳۶۷).

در نتیجه نظام وجود در موجودات مادی چه با جریان عادی موجود شوند و چه با معجزه، بر صراط مستقیم است و اختلافی در طرز کار آن علل نیست، همه به یک روش است و آن این است که هر حادثی معلول علت متقدم بر آن است. عقل هم با حکم بدیهی و ضرورت این قانون را قبول دارد. پس وقتی سببی از اسباب پیدا شود و شرایط دیگر هم با آن سبب هماهنگی کند و مانعی هم جلو تأثیر آن سبب را نگیرد، مسبب آن سبب وجود خواهد یافت. براین اساس، چون مسببی را دیدیم که وجود یافته، کشف می‌شود که قبلاً سببش وجود یافته بوده است. هم‌چنین هر سبب از اسباب عادی که از مسبب خود تخلف کند، سبب حقیقی نیست، ما آن را سبب پنداشته‌ایم و در مورد آن مسبب، اسباب حقیقی هست که به هیچ وجه تخلف نمی‌پذیرد و احکام و خواص، دائمی است، همچنان که تجارب علمی نیز در عناصر حیات و در خوارق عادات، این معنا را تأیید می‌کند. تنها فرقی که میان روش عادت با معجزه خارق عادت هست، این است که اسباب مادی برای پدید آوردن آن گونه حوادث به صورتی اثر می‌گذارند که برای عموم قابل لمس است و روابط اسباب با آن حوادث و نیز شرایط زمانی و مکانی مخصوصش به راحتی دیده می‌شود و در مورد معجزات این روابط پنهان است.

نقد و بررسی این دیدگاه

طبق تقریر گذشته، باید قائل به یک علت فرا طبیعی برای برخی از معلول‌های طبیعی بود و چنین چیزی عقلاً باطل است، زیرا علت و معلول طبق یک قاعده مشهور عقلی باید با یکدیگر سنخیت داشته باشند. مفاد این اصل، به این معناست که هر چیزی از هر چیزی حاصل نمی‌آید و هر معلول و موجود، علت خاص خود را می‌طلبد و چنین نیست که از هر مقدمه‌ای، هر نتیجه‌ای را بتوان به دست آورد، بلکه سنخیت و تناسب خاصی بین اشیا حاکم است و باید علت خاصی پدید آید تا معلول خاص تحقق یابد؛ زیرا میان علت و معلول پیوند وجودی برقرار است، بلکه معلول پدیدار و ظهور همان علت است (ر.ک: صدرالدین شیرازی، ۱۴۱۹: ۲/۲۰۵؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۲۵؛ خمینی، ۱۳۹۲: ۲/۲۳۸). از همین رهگذر، اصل سنخیت علت و معلول ایجاب می‌کند که برای معلول‌های

طبیعی، قائل به عللی طبیعی باشیم. صدور هر معلولی را نمی‌توان به هر علتی منتسب نمود. چنین چیزی عقلاً غیر قابل قبول بوده، موجب هرج و مرج شده و در این صورت نتیجه آن خواهد بود که می‌توان هر پدیده‌ای را به هر چیز موهوم، ناشناخته و ناهمگون با آن پدیده نسبت داد.

در پاسخ به این اشکال نیز می‌توان چنین گفت که تعیین قطعی کیفیت سنخیت بین علت و معلول خاص، از طریق روش‌های علمی میسر نیست. بر اساس روش علمی اگر بتوانیم تمامی سازوکارهای طبیعت را حقیقتاً به دست آوریم، این احتمال را نمی‌توانیم طرد کنیم که اگر عامل فرا طبیعی بیرون از این دستگاه، با یکی از مکانیسم‌های درونی آن، ارتباطی که چگونگی آن برای ما نامعلوم است، پیدا کند و آن را تحت تصرف خود درآورد، آثاری عجیب پدیدار خواهد شد، بدون اینکه اصل سنخیت نقض شود (بوذری، ۱۳۹۰: ۱۰۹)؛ بنابراین با قانون علیت، علّیت امور غیرطبیعی برای امور طبیعی انکار نمی‌شود. هیچ علمی نمی‌تواند تأثیر یک امر غیرطبیعی در پیدایش یک امر طبیعی را نفی کند، بلکه حتی چنین تأثیراتی را اثبات نیز می‌نماید.

نتیجه

یکی از عمیق‌ترین نیازهای انسان، نیاز ارتباط با خالق خویش است. خداوند، خود دعا کردن را به انسان‌ها آموخته و آن‌ها را به آن دعوت کرده است و از طرفی نیز وعده استجاب دعا را به ایشان داده است. آنچه در این میان با چالشی اساسی از سوی اندیشمندان اسلامی و غربی مواجه شده است، چگونگی تحلیل فرایند استجاب دعا با توجه به طبیعت و قوانین علیت است. با عنایت به آن چه بیان شد، می‌توان گفت که یکی از اصول و سنت‌های الهی در تدبیر جهان، جریان و اتکای آن بر نظام علیت و سببیت است. در این میان، اثرگذاری نهاد دعا نیز قابل تعریف است که در بستر قضا و قدر الهی شکل می‌گیرد. الگوریتم دعا اگر چه با علل طبیعی ناشناخته، هم چون نیروی برآمده از قدرت روحی و نفس آدمی قابل تحلیل و توجیه است، اما تکیه بر عوامل فراطبیعی امری موجه‌تر می‌نماید.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن فارس بن زکریا (۱۴۰۴ ق): «معجم مقاییس اللغة»، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه چاپ اول.
۲. ابن منظور، ابو الفضل، جمال الدین، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق): «لسان العرب»، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، چاپ سوم.
۳. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۲): «پیرامون مبدأ و معاد»، قم: اسراء، چاپ سوم.
۴. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۳): «توحید در قرآن»، قم: اسراء.
۵. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۳): «فلسفه حقوق بشر»، قم: اسراء، چاپ چهارم.
۶. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴): «رحیق مختوم»، قم: اسراء.
۷. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴): «سرچشمه اندیشه»، قم: اسراء.
۸. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴): «مبانی اخلاق در قرآن»، قم: اسراء، چاپ ۴.
۹. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷): «تفسیر تسنیم»، قم: اسراء.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸): «تبیین براهین اثبات خدا»، قم: اسراء، چاپ پنجم.
۱۱. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸): «ادب فنای مقربان»، بی نا، محقق محمد صفایی، چاپ اول.
۱۲. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۳ ش): «رحیق مختوم»، ج ۱ و ۲، انتشارات الزهراء.
۱۳. رافتی، فاطمه و ابراهیمی، حسن (۱۳۹۳ ش): «رابطه استجابات دعا و معجزه با نظام علیت از نظر شارحان حکمت متعالیه»، جستارهای فلسفی، شماره بیست و پنجم، ص ۱۲۱-۱۴۱.
۱۴. ساجدی، علی محمد و زارع، فاطمه (۱۳۹۳ ش): «تأثیر دعا در نظام آفرینش از منظر سه فیلسوف (ابن سینا و ملاصدرا و علامه طباطبایی)»، فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز، دوره ۱۴، شماره ۴، ص ۷۵-۱۰۲.
۱۵. شیروانی، علی (۱۳۷۲): «نهایة الحکمة»، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۶. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۶۳): «تفسیر المیزان»، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۷. طوسی، محمد بن حسن (بی تا): «التبیین»، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۸. عمید، حسن (۱۳۷۴): «فرهنگ عمید»، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۹. فیومی، احمد (بی تا): «المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی»، قم: دار الرضی، چاپ اول.
۲۰. فخر رازی، ابوعبدالله (۱۴۲۰ ق): «مفاتیح الغیب»، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم.
۲۱. کشفی، عبدالرسول و نبوی مبینی، مریم السادات (۱۳۸۹): «دیدگاه و نسان برومر درباره تعارض دعا و علم مطلق الاهی و نقد آن از دیدگاه محمدحسین طباطبایی»، پژوهش‌های اخلاقی، شماره دوم.
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق): «الکافی»، تهران: دار الکتب الإسلامية، چاپ چهارم.
۲۳. کیانخواه، لیلیا (۱۳۸۶ ش): «بررسی تعارض قانون علیت و اصل عدم قطعیت»، دوفصلنامه حکمت سینوی (مشکوٰة النور)، شماره ۷، ص ۳۶-۳۷.
۲۴. لطیفی، رحیم لطیفی و پریمی، علی (۱۳۸۸): «معجزه و قانون علیت»، فصلنامه آیین حکمت، سال اول، شماره ۲.
۲۵. مطهری، مرتضی (۱۳۷۱ ش): «عدل الهی»، تهران: انتشارات صدرا.
۲۶. موسوی خمینی، سیدروح الله (۱۳۸۵): «تقریرات فلسفه»، تهران: تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲۷. ملاصدرا (صدر الدین شیرازی)، محمد بن ابراهیم (۱۳۸۲): «النشاهد الروبویة فی المناهج السلوکیة»، تصحیح مصطفی محقق داماد، تهران: بنیاد حکمت سبزواری.
۲۸. ملاصدرا (صدر الدین شیرازی)، محمد بن ابراهیم (۱۳۸۱): «الحکمة المتعالیه فی الاسفار العقلیة الاربعة»، تصحیح احمد احمدی، تهران: بنیاد حکمت سبزواری.
۲۹. محمدی، مسلم (۱۳۸۹): «حل معمای شر در آثار استاد آیت الله جوادی آملی»، فصلنامه اسراء، سال دوم، شماره اول، پیاپی ۳.
۳۰. نجفی، محمد حسن (بی تا): «جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام»، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم.
۳۱. نریمانی، نیما؛ کشفی، عبدالرسول و علیزمانی، امیرعباس (۱۳۹۹): «ستار فیزیکی و فاعلیت الهی»، فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز، دوره ۲۰، ش ۷۵، ص ۱۰۹-۱۳۰.

References

The Holy Quran

1. Ibn Faris Ibn Zakaria (1404 AH), Moajam Maqaeyis Al-loqah, 6 volumes, Publications of the Office of Islamic Propaganda of the Seminary of Qom, Qom - Iran, first.
2. Ibn Manzoor, Abu al-Fadl, Jamal al-Din, Muhammad ibn Makram (1414 AH), Lisan Al-Arab, 15 volumes, Dar al-Fikr for printing, publishing and distribution - Dar Sader, Beirut - Lebanon, third.
3. Javadi Amoli, Abdullah (1372 SH), On the Origin and Resurrection, Qom: Esra, third edition.
4. Javadi Amoli, Abdullah (1383 SH), Tawhid in the Quran, Qom: Esra.
5. Javadi Amoli, Abdullah (1383 SH), Philosophy of Human Rights, Qom: Esra, fourth edition.
6. Javadi Amoli, Abdullah (1384 SH), Rahiq Makhtoum, Qom: Esra
7. Javadi Amoli, Abdullah (1384 SH), Sarcheshme Andisheh, Qom: Esra.
8. Javadi Amoli, Abdullah (1384 SH), Principles of Ethics in the Quran, Qom: Esra, printing 4.
9. Javadi Amoli, Abdullah (1378 SH), Tafsir Tasnim, Qom: Esra.
10. Javadi Amoli, Abdullah (1387 SH), Explanation of Proofs to Prove God: Esra, Fifth Edition.
11. Javadi Amoli, Abdullah (1388 SH), Adab Fanaye Moghreban, vol. 3, (No date), researcher Mohammad Safaei, first edition.
12. Javadi Amoli, Abdullah (1373 SH), Rahiq Makhtoum, vol. 2, Al-Zahra Publications.
13. Raafati, Fatemeh and Ebrahimi, Hassan (1393SH), The Relationship between Answering Prayer and Miracles with the System of Causality according to the Commentators of Transcendent Wisdom, Philosophical Essays, No. 25, Spring and Summer 2014, pp. 121-141.
14. Sajedi, Ali Mohammad and Zare, Fatemeh (2014 AD). The effect of prayer in the system of creation from the perspective of three philosophers "Ibn Sina and Mulla Sadra and Allameh Tabatabai" Quarterly Journal of Religious Thought, Shiraz University, Volume 14, Number 4, Winter, 53, pp. 75-102.
15. Tabatabai, Mohammad Hossein (1363 SH). Tafsir Al-Mizan, Qom: Qom Seminary Teachers Association, Office
16. Tabatabai, Mohammad Hossein (1372 SH), Nehayah Al-hekmah, Ali Shirvani, Publications of the Office of Islamic Propaganda of the Seminary of Qom.
17. Tusi, Muhammad ibn Hassan (No date): "Al-tebyan fi Tafsir Al- Qur'an", research by Ahmad Qusair Ameli, Beirut: Dar Al-Ihya Al-Tarath Al-Arabi.
18. Amid, Hassan (1374 SH), Farhang Amid (Tehran: Amir Kabir Publications, vol. 1, p. 953.
19. Fayumi, Ahmad (NO Date), Al-Misbah Al-Munir in Gharib Al-Sharh Al-Kabir for Rafi'i, Dar Al-Radi, Qom - Iran, first.
20. Fakhr Razi, Abu Abdullah (1420 AH): "Mafatih al-Ghayb", Beirut: Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabi, third edition.
21. Kashfi, Abdolrasoul and Nabavi Meybodi, Maryam Sadat (1389 SH) Vincent Brommer's view on the conflict between prayer and absolute divine knowledge and its critique from the perspective of Mohammad Hossein Tabatabai, Ethical Research, First Year - Second Issue - Winter.
22. Kolaini, Muhammad ibn Ya'qub (1407 AH), Al-Kafi, 8 volumes, Dar al-Kitab al-Islamiyya, Tehran - Iran, fourth.
23. Kiankhah, Leila (1386 SH), A Study of the Conflict between the Law of Causation and the Principle of Uncertainty, Bimonthly Scientific-Research Quarterly of Hekmat-e-Sinavi (Mishkooh-e-Noor), 7th Eleventh Year, Spring and Summer / No. 36-37.
24. Latifi, Rahim Latifi and Parimi, Ali, (1388 SH) Miracles and the Law of Causality, Quarterly Journal of the Religion of Wisdom, first year, winter, serial number 2.
25. Motahari, Morteza (1371 SH), Divine Justice, Collection of works of Shahid Motahari,

vol. 1, vol. 4, Sadra Publications.

26. Mousavi Khomeini, Seyyed Ruhollah (1385 Sh), Taqirrat FalsaFeh, Volume 2, Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works, Tehran.

27. Mulla Sadra (Sadruddin Shirazi), Mohammad Ibn Ibrahim (2003). Al-Shawahed Al-robotiyeh fi Al-manahej Al-solokiyeh, edited by Mustafa Mohaghegh Damad, Tehran: Sabzevari Wisdom Foundation.

28. Mulla Sadra (Sadruddin Shirazi), Mohammad Ibn Ibrahim (1381 SH), Al-hakmah Al-motaaliyah fi Al-asfar Al-aqliyah Al-arbach, edited by Ahmad Ahmadi, Tehran: Sabzevari Wisdom Foundation.

29. Mohammadi, Muslim (1389 Sh), Solving the Riddle of Evil in the Works of Ayatollah Javadi Amoli, Esraa Quarterly, Second Year, First Issue, 3 in a row, Spring.

30. Najafi, Muhammad Hassan (No Date), Jawahr Al-Kalam fi Sharh Sharaee Al-Eslam, 43 volumes, Dar Al-Ihyaai Al-Tarath Al-Arabi, Beirut - Lebanon, 7th, AH

31. Nima Narimani and Kashfi, Abdolrasoul and Alizamani, Amir Abbas (1399 SH), Physical context and divine activity, Quarterly Journal of Religious Thought, Shiraz University, Volume 20, Number 2, Summer, 75, pp. 109-130.

سال پنجم

شماره دوم

پیاپی: ۱۰

پاییز و زمستان

۱۳۹۹